https://fa.wikimarefat.ir/view/%DA%A9%D9%85%D8%A7%D9%84_%D9%86%D9%87%D8%A7%DB%8C%DB%8C_%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%A7%D9%86

کمال نهایی انسان

اینفوگرافی کمال نهایی انسان

کمال نهایی انسان، هدف غایی و مطلوب مطلق انسان در منظومه اندیشه اسلامی است. این کمال مطلق و بی‌پایان، به‌معنای قرب الهی و نزدیک شدن به خداوند است. این هدف ریشه در سرشت خداجوی انسان دارد و مبنای تمامی ساختارهای اخلاقی، حقوقی و سیاسی است.

کمال انسان، ریشه در محبت الهی دارد و نفس مجرد و فقر ذاتی انسان، حرکت به سوی کمال را فراهم می‌کنند، و درجه کمال انسان، متناسب با علم حضوری او درباره خودش و خداوند شکل می‌گیرد. لازمهٔ کمال نهایی انسان، شناخت صحیحی است که صرفاً بر ابزارهای عادی متکی نیست، و از طریق دین و وحی صورت می‌گیرد که از طریق خداوند حکیم در اختیار انسان قرار می‌گیرد.

ماهیت کمال نهایی و هدف آفرینش

هدف از آفرینش انسان، رساندن او به کمال حقیقی و سعادت ابدی است.

ریشه‌های وجودی کمال

- **محبت الهی**: در میان علل غایی، حبّ به آثار ذات الهی و ظهور کمال خداوند در ممکنات، موجب می‌شود که خداوند انسان را به بالاترین مرتبه کمال ممکن برساند.[۱]
- **نفس و فقر ذاتی**: انسان دارای نفس مجرد است که قابلیت حرکت اختیاری به‌سوی کمال دارد.[۲] این نفس در واقع عین ربط و فقر به واجب‌الوجود است و وجودی مستقل ندارد.[۳]
- **علم حضوری و کمال**: درجه کمال نهایی هر فرد، با شدت و ضعف علم حضوری او درباره وجود خودش و رابطه وجودی‌اش با خداوند گره خورده است.[۴] بر این اساس، کسی که به کمال مطلق برسد، حقیقت وجود خود را کاملاً درک خواهد کرد.[۵]

پیوند کمال با آرامش

- **نتایج عملی خداشناسی**: آرامش و رهایی از اضطراب، از نتایج عملی رسیدن به معرفت و پرستش خداوند است که خود مرتبه‌ای از کمال محسوب می‌شود.[۶]
- **کمال مطلق در برابر اهداف نسبی**: اگر انسان موجودی صرفاً مادی قلمداد شود، هدف زندگی‌اش محدود به رفاه مادی خواهد بود و هیچ نیازی به تعالیم دینی احساس نخواهد کرد.[۷] در مقابل، کمال نهایی، یعنی قرب الهی، هدفی مطلق و غیرمادی است که از لذت‌های شخصیِ صرفاً مادّی برتر است.[۸]

کمال به‌مثابه معیار در اخلاق، حقوق و سیاست

کمال نهایی انسان، به‌دلیل اینکه مطلوب ذاتی و غایی است، مبنای اصلی تمامی نظام‌های ارزشی و اجتماعی قرار می‌گیرد.

کمال و فلسفه اخلاق

- **ارزش‌گذاری بر اساس کمال**: در مکتب اخلاقی واقع‌گرا، ارزش اخلاقی افعال بر اساس میزان تقرّب به کمال نهایی، یعنی قرب الهی، سنجیده می‌شود.[۹]
- **تأمین اهداف خودگرایانه**: با وصول به کمال نهایی، برترین لذت و آرامش خاطر (که هدف مکاتب خودگراست) نیز به‌صورت مطلق و پایدار حاصل می‌شود؛[۱۰] زیرا لذت حاصل از قرب الهی، بهتر از لذت‌های دنیوی است.[۱۱]

- **تزاحم کمالات**: در مسیر حرکت به‌سوی کمال، انسان با تزاحم میان کمال‌های نسبی، مانند ثروت، قدرت یا لذت‌های حسی، مواجه است، و برای رسیدن به کمال مطلق، باید برترین گزینه را برگزیند.[۱۲]

کمال و فلسفه حقوق

- **هدف حقوق**: قوانین حقوقی در اسلام صرفاً محدود به تنظیم امور دنیوی نیستند، بلکه گذرگاهی به‌سوی آخرت و هدف کمال نهایی انسان تلقی می‌شوند.[۱۳]
- **مصالح و مفاسد**: احکام الهی وضع شده‌اند تا صَلاح و بقای بندگان را تأمین کنند، چرا که ریشه در مصالح و مفاسد واقعی دارند، و هدف نهایی از وضع این قوانین، هدایت انسان به‌سوی کمال نهایی است.[۱۴]

کمال و فلسفه سیاست

- **غایت حکومت**: هدف اصلی از تشکیل حکومت اسلامی، هدایت جامعه به‌سوی سعادت حقیقی و کمال نهایی است.[۱۵]
- **سیاست جامع**: به‌دلیل پیوند میان دنیا و آخرت، سیاست اسلامی تنها به تدبیر امور مادی محدود نمی‌شود؛ زیرا اگر زندگی فقط جنبه مادی داشته باشد، تدبیر امور مادی برای سعادت جاودانه کافی نیست.[۱۶]

کمال و حوزه معرفت

دستیابی به کمال نهایی، مستلزم شناخت صحیح و معتبر است، اما این شناخت نمی‌تواند صرفاً بر ابزارهای عادی متکی باشد.

- **لزوم معرفت یقینی**: تلاش‌های علمی و عملی برای رسیدن به کمال، بدون امکان تحصیل معرفت معتبر و یقینی که راه سعادت را نشان دهد، بیهوده خواهد بود.[۱۷]
- **نابسندگی ابزارهای عادی**: عقل انسان اگرچه می‌تواند کمال را درک کند.[۱۸] اما در شناخت جزئیات آثار رفتارهای دنیوی بر کمال و نقص ابدی نفس آگاه نیست، و همچنین بر درک کامل ویژگی‌های حیات اخروی، احاطه ندارد.[۱۹]
- **ضرورت راه فراعادی**: انسان برای دستیابی به کمال حقیقی که همان قرب الهی است، نیازمند راهی فراعادی، مانند دین و وحی است که از طریق خداوند حکیم در اختیار او قرار می‌گیرد؛ در غیر این صورت، غرض آفرینش، یعنی رساندن انسان به کمال، نقض خواهد شد.[۲۰]

پانویس

1. ↑ انسان‌شناسی، ص۹۷، ۹۱
2. ↑ انسان‌شناسی، ص۹۶
3. ↑ خداشناسی، ص۲۷۶
4. ↑ فلسفه اخلاق، ص۱۰۷-۱۰۸
5. ↑ فلسفه اخلاق، ص۱۰۷
6. ↑ خداشناسی، ص ۹۹؛ انسان‌شناسی، ص۶۱
7. ↑ فلسفه سیاست، مقدمه، ص۵۳۳؛ انسان‌شناسی، ص۲۱۶
8. ↑ فلسفه اخلاق، ص۷۴
9. ↑ فلسفه اخلاق، ص ۷۴-۷۵، ۹۴
10. ↑ فلسفه اخلاق، ص۱۱۰-۱۱۱، ۴۱۰-۴۱۱
11. ↑ فلسفه اخلاق، ص۴۱۱
12. ↑ فلسفه اخلاق، ص ۹۴، ۱۱۱، ۱۱۴
13. ↑ فلسفه حقوق، ص۹۵
14. ↑ فلسفه حقوق، ص ۷۷-۷۸، ۹۸
15. ↑ فلسفه سیاست، ص۴۳-۴۴
16. ↑ فلسفه سیاست، مقدمه، ص۵۳۳؛ فلسفه سیاست، ص۱۷۰
17. ↑ معرفت‌شناسی، ص۲۴
18. ↑ انسان‌شناسی، ص ۱۲۳-۱۲۴
19. ↑ دین؛ راه سعادت انسان، ص ۲۷۵-۲۷۷

20. ↑ دین؛ راه سعادت انسان، ص ۲۷۸

منابع

- مصباح، مجتبی و محمدی، عبدالله، مبانی اندیشه اسلامی-۱: معرفت‌شناسی، قم، انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ هجدهم، ویراست دوم، ۱۴۰۲ش
- مصباح، مجتبی و عبودیت، عبدالرسول، مبانی اندیشه اسلامی-۲: خداشناسی، قم، انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ چهاردهم، ویراست دوم، ۱۴۰۱ش.
- الهی‌راد، صفدر، مبانی اندیشه اسلامی-۳: انسان‌شناسی، قم، انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ دوازدهم، ویراست سوم، ۱۴۰۱ش.
- مصباح، مجتبی، مبانی اندیشه اسلامی-۴: فلسفه اخلاق، قم، انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ هشتم، ویراست دوم، ۱۳۹۹ش.
- دانش‌پژوه، مصطفی و عابدینی، جواد، مبانی اندیشه اسلامی-۵: فلسفه حقوق، قم، انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ هشتم، ویراست دوم، ۱۳۹۹ش.
- شبان‌نیا، قاسم، مبانی اندیشه اسلامی-۶: فلسفه سیاست، قم، انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ یازدهم، ویراست دوم، ۱۴۰۱ش.